زمان افعال را چگونه تشخيص دهيم؟

از سال هاي اول دبستان به ما آموختند كه فعل جزء اصلي جمله است كه انجام كار يا روي دادن حالتي در زمان خاصي توسط شخصي خاص را نشان مي دهد. يك تعريف كامل كه در آن چند ويژگي فعل را نشان مي دهد:

1- انجام كار را نشان مي دهد 2- شخص انجام دهنده كار را نشان مي دهد 3- زمان خاصي را نشان مي دهد

جمله ي : رضا به مدرسه مي رود را در نظر بگيريد.

فعل مي رود تمام آن ويژگي هايي كه گفتيم را در خود دارد 1- كاري كه انجام گرفته رفتن است 2- شخص انجام دهنده اش را با كمك شناسه آخر فعل(همان نهاد پيوسته -د) مي شناسيم. 3- و زمان آن را از طريق بن تشخيص مي دهيم.

بحث اصلي ما هم در مورد همين مورد سوم است. يعني زمان فعل چگونه شناخته مي شود؟

زمان را از طريق بن يا ريشه ي فعل مي شناسند. يعني به فعل نگاه مي كنيم، اگر در آن بن ماضي(گذشته) بكار رفته قطعاً زمانش ماضي است و اگر بن مضارع(حال) به كار رفته است، قطعا زمانش مضارع مي باشد.

اما بن ماضي و مضارع چگونه قابل شناسايي هستند؟

اما بن ماضي و مضارع چگونه قابل شناسايي هستند؟

وقتي فعلي به ما مي دهند تا بن ماضي اش را به دست آوريم، مثلاً آورده ايم، اول مصدر آن را نگاه مي كنيم: آوردن: حالا نون را از پايان مصدر حذف مي كنيم: «آورد» به عنوان بن ماضي مشخص مي شود. به همين سادگي بن ماضي يك فعل را مي شناسيم. پس فعل آورده ايم زمانش ماضي است.

پس فرمول يافتن بن ماضي اين است: حذف نون از پايان مصدر

نمونه يافتن بن ماضي: گرفتن: گرفت// خريدن: خريد// شكستن: شكست// بريدن: بريد// نوشتن: نوشت

براي يافتن بن مضارع: از آن فعل امر مي سازيم.مثلاً فعل امر از نوشته ايم مي شود: بنويس. حالا ب امر را از اول فعل حذف مي كنيم : نويس باقي مي ماند و «نويس» بن مضارع آن است.پس نتيجه مي گيريم كه نوشته ايم فعل مضارع نيست. اما مي نويسم مضارع است چون بن مضارع نويس در آن به كار رفته است.

پس فرمول بن مضارع اين است: ساخت فعل امر و بعد حذف ب امر از سر فعل

با یاد پروردگار مهربان



صفت فاعلی با یکی ازسه روش زیر ساخته می شود

با یاد پروردگار مهربان

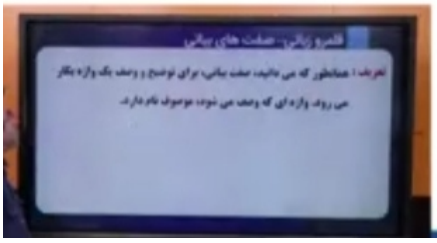


با یاد پروردگار مهربان



قلمرو زبانی- صفت های بیانی

تعریف : همانطور که می دانید، صفت بیانی، برای توضیح و وصف یک واژه بکار می رود. واژه ای که وصف می شود، موصوف نام دارد.



قلمرو زبانی- صفت های بیانی

تعریف : همانطور که می دانید، صفت بیانی، برای توضیح و وصف یک واژه بکار می رود. واژه ای که وصف می شود، موصوف نام دارد.

لباس پوشیدنی　　مرد شکست ناپذیر　　دانش‌آموز تهرانی

راه نرفته　　بچه های دونده　　شهروند کارگر

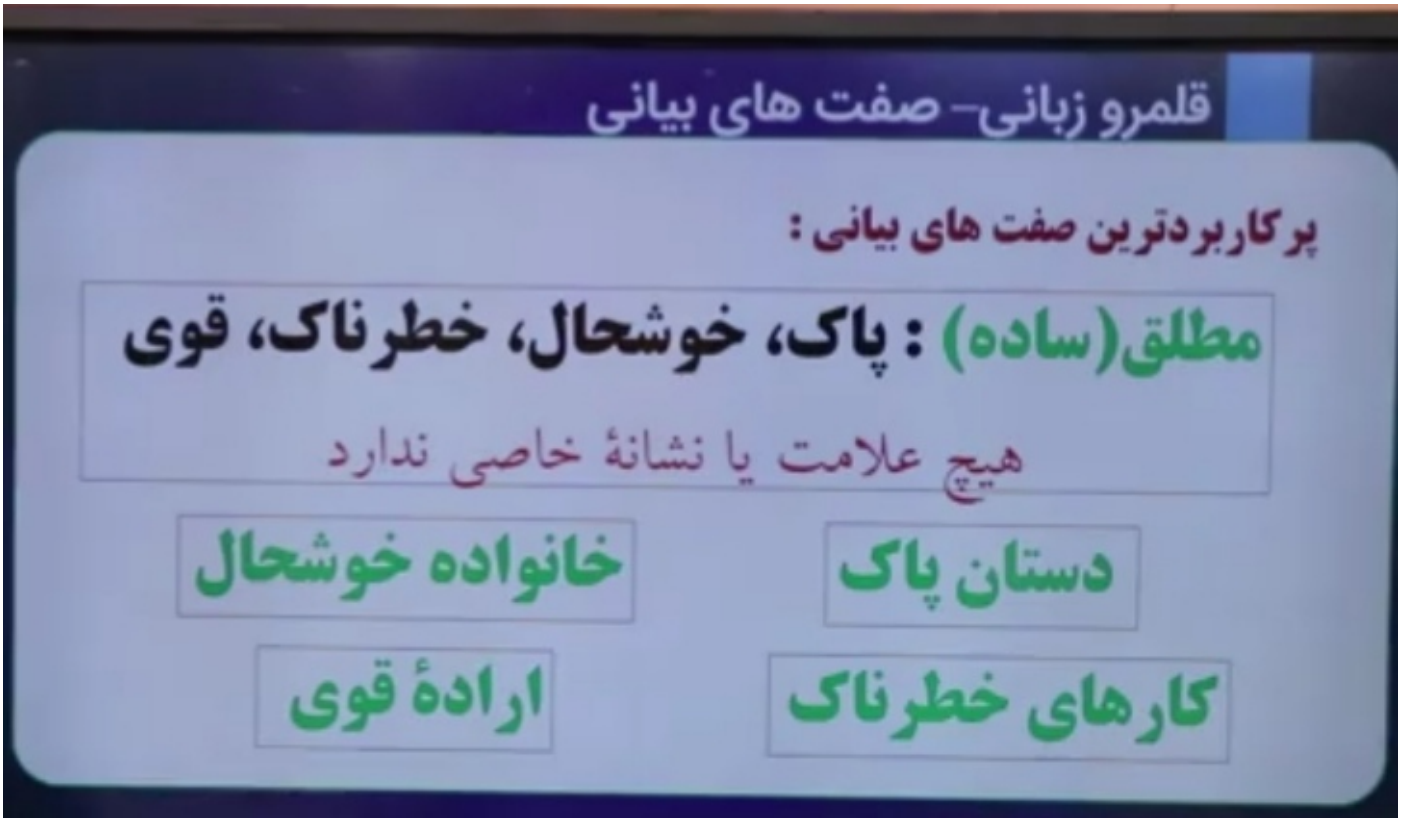
قلمرو زبانی- صفت های بیانی

تعریف : همانطور که می دانید، صفت بیانی، برای توضیح و وصف یک واژه بکار می رود. واژه ای که وصف می شود، موصوف نام دارد.

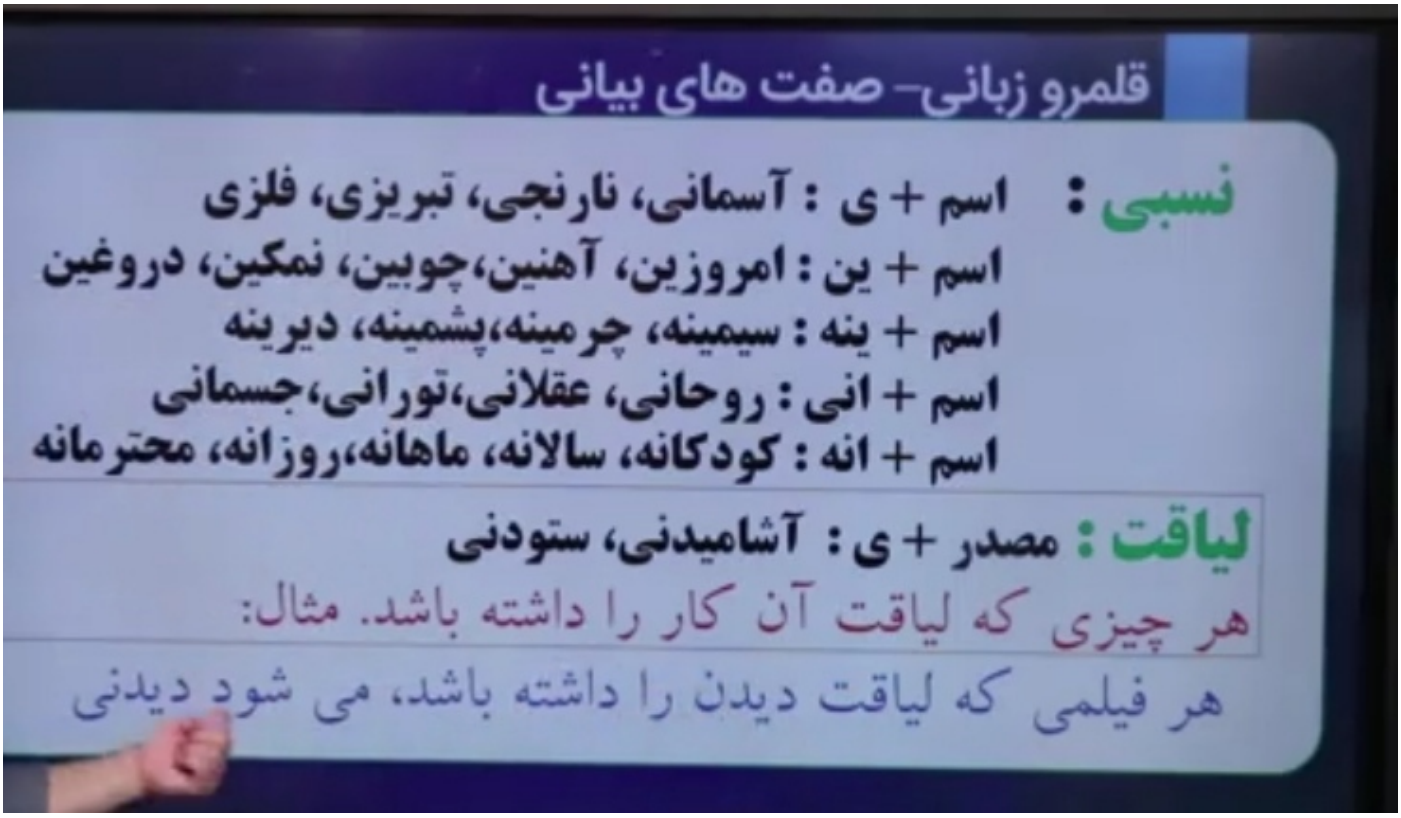
لباس پوشیدنی　　مرد شکست ناپذیر　　دانش‌آموز تهرانی

راه نرفته　　بچه های دونده　　شهروند کارگر

دقت داشته باشیم که صفت های بیانی انواعی دارد و وابسته پسین محسوب می شوند.


قلمرو زبانی- صفت های بیانی
پرکاربردترین صفت های بیانی :
مطلق(ساده) : پاک، خوشحال، خطرناک، قوی
هیچ علامت یا نشانهٔ خاصی ندارد
دستان پاک
خانواده خوشحال
کارهای خطرناک
ارادهٔ قوی


قلمرو زبانی- صفت های بیانی
پرکاربردترین صفت های بیانی :
صفت مفعولی : بن ماضی + ه : پرورده، شکسته
مصدر بدون «ن» پایانی + ـه = خسته ، رفته، برده، پوشیده
ورزشکار خسته
مسافر رفته
بازی برده
لباس پوشیده


قلمرو زبانی- صفت های بیانی
نسبی :
اسم + ی : آسمانی، نارنجی، تبریزی، فلزی
اسم + ین : امروزین، آهنین،چوبین، نمکین، دروغین
اسم + ینه : سیمینه، چرمینه،پشمینه، دیرینه
اسم + انی : روحانی، عقلانی،تورانی،جسمانی
اسم + انه : کودکانه، سالانه، ماهانه،روزانه، محترمانه
لیاقت : مصدر + ی : آشامیدنی، ستودنی
هر چیزی که لیاقت آن کار را داشته باشد. مثال:
هر فیلمی که لیاقت دیدن را داشته باشد، می شود دیدنی

قلمرو زبانی- صفت های بیانی

فاعلی : بن مضارع + – نده : سازنده، درخشنده، جوینده، رونده ...
بن مضارع + ا : گویا، کوشا، جویا، روا، بینا، دانا ...
بن مضارع + ان: خندان، تابان، روان، گریان، خواهان...

بن ماضی / بن مضارع + گار: آفریدگار، آموزگار، کردگار
بن ماضی + ار : خریدار، خواستار، رفتار، خریدار، شنیدار

اسم / بن / صفت + گر: زرگر، توانگر، روشنگر، آرایشگر، رفتگر،
اسم / صفت + بن مضارع: خداشناس، راستگو، دوربین، روان شناس

سخن آخر

خدایا چنان کن سرانجام کار / که تو خشنود باشی و ما رستگار